



A study of the characteristics of good governance according to the Qur'an and the prophets and imams

Ahad BehzadRezaee¹

¹M.Sc. Student, Department of law, Ghom University
Ghom, Iran, Behzadrezaee.ahad@gmail.com

Corresponding author: Ahad BehzadRezaee, Behzadrezaee.ahad@gmail.com
Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. Government has always been one of the main topics in political science to the extent that many thinkers have defined politics as the art of governing. The components of governance include accountability, transparency, anti-corruption, participatory governance, and the existence of a co-judicial framework. Therefore, considering the importance and impact of these indicators in increasing or decreasing the efficiency of political systems, we can speak of a direct relationship between the establishment of the idea of good governance and the efficiency of the political system. As the field of politics and related issues is evolving and expanding, how to govern according to the standards of good governance has become increasingly important. Imam Khomeini, as the leader and founder of the Islamic Revolution, as well as Imam Khamenei, have placed many emphases on these components. Considering the passage of more than a few decades since the victory of the Islamic Revolution of Iran and considering all the problems that have been imposed on the country during this period, it is necessary to examine proper governance from the perspective of revolutionary leaders. Therefore, in this research, an attempt has been made to study the words of the Imams of the Revolution as a model of worthy Islamic rule.

Keywords Good governance, Imams of the Revolution, Indicators of governance.

بررسی شاخص‌های حکمرانی متعالی از منظر امامین انقلاب

احد بهزادرضایی¹

1 - دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، دانشگاه دولتی قم، قم

چکیده. حکومت از گذشته تا امروز همواره یکی از اصلی‌ترین مباحث علوم سیاسی بوده است، تا جایی که بسیاری از اندیشمندان، سیاست را هنر حکومت کردن یا حکمرانی تعریف کرده‌اند. از مولفه‌های حکمرانی می‌توان پاسخ‌گویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی، و نیز وجود چارچوب قضایی-حقوقی نام برد. از همین رو با توجه به اهمیت و تأثیر این شاخص‌ها در افزایش و یا کاهش کارآمدی نظام‌های سیاسی، می‌توان از وجود ارتباط مستقیم بین استقرار ایده حکمرانی متعالی با میزان کارآمدی نظام سیاسی سخن به میان آورد. از آن‌جا که حوزه سیاست و مسائل مربوط به آن در حال دگرگونی و گسترش می‌باشد چگونگی حکومت کردن مطابق معیارهای حکومت مطلوب بیش از پیش اهمیت یافته است. امام خمینی به عنوان رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و همچنین امام خامنه‌ای تأکیدات متعددی بر این مؤلفه‌ها داشته‌اند. با توجه به گذشت بیش از چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با در نظر گرفتن تمامی مشکلاتی که در این دوران بر کشور تحمیل شده است لازم است به بررسی حکمرانی متعالی از منظر رهبران انقلابی پرداخته شود لذا در این تحقیق سعی گردیده است با بررسی سخنان امامین انقلاب الگویی از حکمرانی شایسته اسلامی پرداخته شود.

کلیدواژگان: حکمرانی متعالی، امامین انقلاب، شاخص‌های حکمرانی.

۱. مقدمه

حکمرانی متعالی به عنوان یک نظریه مبتنی بر اهدافی چون کاهش فقر و فساد، بهبود کیفیت معاش، افزایش مشارکت شهروندان، ایجاد فرصت‌ها و امکان برابر برای شهروندان، ایجاد امنیت، برابری و پایداری در جامعه می‌باشد که در یک حکومت مطلوب مدنظر قرار می‌گیرد. در سنجش دستیابی به این اهداف، شاخص‌هایی همچون حاکمیت قانون، مسؤولیت‌پذیری، مشارکت مردمی، عدالت فراگیر و شفافیت مطرح بوده که بر اساس آن‌ها می‌توان تحقق یک حکمرانی خوب در جامعه چون ایران را مورد بررسی قرار داد. حکمرانی خوب، جامعه‌ی امروز را نیازمند دولتی کارآمد می‌داند که در آن با بسترسازی مناسب، افراد بتوانند با فرایند انتخاب آزاد، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند. (وفاجو و همکاران، ۱۳۹۷)

انقلاب اسلامی در فضای جنگ سرد، در دوره‌ای به وقوع پیوست که نظام دوقطبی بر روابط بین‌الملل سایه انداخته و سیطره تفکر نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی به عنوان تنها گزینه‌های موجود در مسیر نظام‌های سیاسی دنیا قرار داشت و سایه آن بر ملت‌ها سنگینی می‌کرد. انقلاب اسلامی به منزله گشودن دریچه‌ای نو در عرصه جهان مقهور ابر قدرت‌های شرق و غرب بود. این پیروزی که به اتکای نیروی ایمان و وحدت آحاد جامعه و رهبری بی‌بدیل امام به ثمر رسید راه سومی را در مقابل جهانیان گشود. نظامی که حاکمیت الهی و ویژگی بارز آن می‌باشد (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با در نظر گرفتن تمامی مشکلاتی که در این دوران بر کشور ما تحمیل شد بحث کارآمدی در دو حالت خاص (نظام جمهوری اسلامی) و عام (حکومت اسلامی)، همواره دغدغه خاطر حاکمان و اندیشمندان سیاسی کشور و جهان اسلام بوده است، آمده است: مسئله توجیه حقانیت و مشروعیت در هر نظام سیاسی در سایه کارآمدی آن که وابسته به ساختار حکومت می‌باشد، یکی از مهمترین عوامل تشویش خاطر نظریه‌پردازان نظام سیاسی و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۷). امام خمینی به عنوان رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی تأکیدات متعددی بر این مؤلفه‌های حکمرانی داشته‌اند و به‌طور مکرر مسئولان، سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان نظام اسلامی را به رعایت این اصول و موازین فرا می‌خوانند. هرچند علاوه بر اصول یادشده، مؤلفه‌های دیگری نیز در بیانات ایشان پیرامون الگوی حکمرانی قابل استخراج است که ریشه در نگرش فقهی و عرفانی ایشان دارد. از دیدگاه امام خمینی، مسئله اصلی در مطلوبیت یک حکومت، ماهیت و محتوای آن است که گاه از آن به نوع حکومت تعبیر می‌گردد، ولی شکل حکومت تابع مقتضیات زمان و مکان است و لذا موضوعی ثانوی تلقی می‌شود و تابع منبع مشروعیت، امکانات و توانایی‌ها، خواست مردمی و نیز مصالح جامعه و دین است (محمودی کیا، ۱۳۹۸).

پس از رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی، در زمان رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز این امر خطیر مورد تأکید جدی ایشان بوده است تا آنجا که تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک گام مهم در مسیر تحقق تمدن اسلامی از سوی آیت الله خامنه‌ای بیان شده است. لذا ضروری است برای تحقق اهداف به مرور سخنان و فرمایشات امامین انقلاب در رابطه با حکمرانی متعالی پرداخته شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری

مفهوم حکمرانی

واژه حکمرانی ترجمه‌ای از واژه یونانی کوبرنا^۱ به معنای سکاندار قایق یا کشتی بود که ظاهراً اولین بار به عنوان استعاره توسط افلاطون به مفهوم رهبری به کار رفت. پس، افلاطون این واژه را به منظور تبیین کم و کیف اداره‌ای یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به معنای راندن، حکمرانی کردن^۲ یا رهبری را به خود گرفتن معنا می‌شود. بر این اساس حکمرانی به مثابه‌ی عمل یا شیوه‌ی حکومت کردن یا کارکرد حکومت تلقی می‌شود (سلطانی‌نژاد و گودرزی، ۱۳۹۵)

حکمرانی^۳ مفهومی وسیع‌تر از حکومت^۴ دارد. تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصاد سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال، در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به طور مصطلح بخش حکومتی نام دارد. اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه به دو بخش مجزای دیگر، بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری جامعه خوب

¹ Kubernan

² Gubernane

³ Governance

⁴ Government

بیشتر تحقق یابد. (امامزاده فرد، ۱۳۹۰)

بر مبنای مفهوم حکمرانی، حکومت یا قوهی اجرایی به عنوان یک نهاد یا مجموعه‌ای از نهادها نگریسته شده و تنها یکی از چندین بازیگر اصلی در جامعه به شمار می آید. براساس این تعریف و در حوزه اداره امور عمومی، هنگامی که حکومت برای انجام وظیفه‌ای خاص واجد ظرفیت اقدام و توان لازم نباشد، دیگر بخش ها، وارد عمل می شوند و آن وظیفه را به انجام خواهند رساند. حکمرانی به مثابه مفهومی که اغلب بر فرایند تأکید دارد، نمایانگر آن است که تصمیمات اداری و اجرایی با عنایت به روابط پیچیده میان بازیگران با اولویت‌ها و علایق متفاوت اتخاذ می‌شوند: در این معنا حکمرانی ترجمان توافقی است که میان اولویتها و منافع رقیب و گاهی متضاد برقرار می‌شود (Habitat, 2002).

حکمرانی متعالی

از جمله مفاهیم مطرح شده در زمینه‌ی کلی نظریات توسعه، حکمرانی متعالی^۱ است. این واژه اولین بار در سال ۱۹۷۹ میلادی از سوی اقتصاددانی به نام ویلیامسون در ادبیات اقتصادی برای بیان وضعیت ایده‌آل در رابطه‌ی میان دولت و بازار مطرح شد اما از سال ۱۹۸۰ میلادی به بعد این اصطلاح در پژوهش‌های دیگر در علوم نیز بیشتر دیده شد، رواج این اصطلاح تا بدان پایه بود که بانک جهانی گزارش سالانه‌ی خود در ۱۹۸۹ را به حکمرانی خوب اختصاص داد. (Maldonado, 2010).

یکی از واژه‌هایی که اخیراً با آن به صورت گسترده مواجه هستیم حکمرانی متعالی است. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می شود از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که، سیستم حکمرانی، مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها «چارچوبی است که فرآیند متکی بر آن است. بدین معنی که قراردادهای سیاست‌ها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شود.» مفهوم حکمرانی متعالی، ایده‌ای از سوی بانک جهانی است، به همین جهت این نهاد، حکمرانی متعالی را به عنوان روشی معرفی می کند که در آن قدرت سیاسی با مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور اقدام به حرکت به سمت توسعه می‌کند. این نظام سیاسی در مسیر توسعه دارای ویژگی‌های هم چون نظام قضایی قابل اعتماد، نظام پاسخگو و ... است (رضایی و توحیدفام، ۱۳۹۷).

الگوی حکمرانی متعالی به عنوان یکی از زیر شاخص‌های اصلی رهیافت نهادگرایی محسوب می‌شود. که مشکل توسعه نیافتگی را نهادهای نامناسب می‌داند. حکمرانی متعالی با اصلاح نهادها، ساز و کارهای تخصیص منابع از طریق بازار را تقویت می‌کند. به عبارتی نقد سیاست‌های تعدیل و گسترش اقتصاد نهادگرایی در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری جهانی به حکمرانی متعالی رسیده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). جدال‌هایی که درباره شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد، از نوع ایدئولوژی- بومی است. آنچه برای ارزیابی و سنجش و حکمرانی انتخاب می‌شود بر اساس نوع اداره عمومی و چارچوب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها است. این اختلاف هم در تعداد و نوع و هم در تفسیر و تعریف ویژگی‌ها قابل مشاهده است. خصوصیات هنجاری این چارچوب‌ها سبب موقعیتی می‌شود که حتی ویژگی‌های مشابه، تفاسیر متفاوت و متنوعی داشته باشند. از آن جا که نظریه حکمرانی متعالی از تازه‌ترین مباحث توسعه و علوم سیاسی در جهان کنونی است، لذا درک عمق و گسترده از عوامل و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن بسیار مهم محسوب می‌شود (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶).

پیشینه تجربی

جاوید و باقری در سال ۱۳۹۶ اصول ثابت و متغیر حکمرانی علوی را در مدل اجرایی امام خمینی (ره) بررسی کردند. امام خمینی بر پایه اصل «ولایت فقیه» در تلاش بود آینه‌ای تمام‌نما از حکمرانی علوی مستقر نماید. وجه تشابه «حکمرانی متعالی» در اندیشه امام با تعریف غربی در مؤلفه‌های ظاهری آن است که هر دو حاکمیت قانون، مشارکت مردمی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و دیگر اصول چون عدالت و برابری و کارآمدی نهاد دولت را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما در رویکرد امام نسبت به غرب رویکرد مادی به عنوان هدف میانی و بعد معنوی، هدف غایی و اعتقادی وی محسوب می‌شود. با وجود این، اصول ثابت و متغیری در حکمرانی علوی در حوزه اجرایی دارند که مبتنی بر مقتضای زمان و مکان و مصالح جامعه اسلامی است. الگوی عملی امام خمینی حکومت علوی بوده؛ اما در این مسیر بالأخص در حوزه اجرایی تماماً یکسان عمل نشده است. یکی از دلایل تفاوت عمل به مسئله مقتضیات زمان و مکان برمی‌گردد؛ اما این موضوع تنها در سایه رعایت ثوابت می‌تواند قابل توجیه باشد. در این پژوهش اصول ثابت چهارگانه امام خمینی (ره) در حوزه اجرایی شناسایی شد که عبارتند از: اصل تعهد، اصل تساوی و برابری، اصل مشارکت، اصل انتقاد و انتقادپذیری.

حکمرانی متعالی به عنوان یک نظریه مبتنی بر اهدافی چون کاهش فقر و فساد، بهبود کیفیت معاش، افزایش مشارکت شهروندان، ایجاد فرصت‌ها و امکان برابر برای شهروندان، ایجاد امنیت، برابری و پایداری در جامعه می‌باشد که در یک حکومت مطلوب مدنظر قرار می گیرد

¹ Good Governance

(وفوجو و همکاران در سال ۱۳۹۷). این شاخص‌ها را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کردند. در قانون اساسی ج.ا. ایران به‌عنوان بالاترین مرجع حقوقی، اصول مختلفی وجود دارند که در هماهنگی با اهداف حکمرانی مطلوب قرار داشته و با شاخص‌های آن قابل انطباق می‌باشند که این مهم نشانگر وجود پایه‌های حقوقی مناسب آن است و لیکن در اجرا به جهت وجود برخی برداشت‌های خاص به خصوص در زمینه مشروعیت و نیز برخی اصول قانون اساسی در زمینه تطبیق عملی، چالش‌هایی وجود دارد. از نظر شکلی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از برخی موارد مبهم، مولفه‌های یک حکومت خوب را در قانون اساسی دارا می‌باشد که نشانگر قوت حقوقی این قانون است. ولی به صورت عملی این تطابق را به علت برخی مشکلات ساختاری که تحت تاثیر تقابل دو مفهوم جمهوریت به معنای تن دادن به خواست مردم و مشروعیت گرفتن از آنان و اسلامی بودن به معنای حاکمیت متعالی و مشروعیت حکومت از بالا است، نمی‌تواند مولفه‌های حکومت خوب را به معنای کلاسیک در آن تثبیت شده دانست. شاید بتوان نگاه خاصی که در کشور در زمینه اهداف و نیز مشروعیت حکومت وجود دارد را بتوان از دلایل این موضوع علیرغم داشتن پشتوانه حقوقی مناسب در قانون اساسی برای تحقق حاکمیت بر مبنای حکومت خوب دانست.

در سال ۱۳۹۷، دارا و عزیزاده الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی و سید قطب به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها پرداختند. یکی از پرسش‌های مهم فقها و اندیشه‌ورزان سیاسی شیعه و اهل سنت در جهان اسلام، اصل تأسیس حکومت و تلاش برای دستیابی به الگوی مطلوب حکمرانی بوده است. در این میان، آرا و اندیشه‌های دو متفکر جهان اسلام و از رهبران جنبش‌های اسلامی معاصر، امام خمینی و سید قطب مورد بررسی قرار گرفت. هر دوی آن‌ها، تنها راه نجات ملت‌های ستمدیده را در برقراری حکومت اسلامی می‌دانستند اما تفاوت‌های فکری و مبنای مبارزاتی آنها به دو مسیر مجزا، یعنی انقلاب اسلامی ایران و تحولات مصر انجامید که نشان دهنده میزان استحکام و قدرت نظریه‌های حکومت آن دو است. پرسش اصلی پژوهش این است که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان اندیشه امام خمینی و سید قطب در زمینه ارائه الگوی مطلوب حکمرانی وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر دو اندیشمند، در نفی حکومت طاغوت و ظالم، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و برخی کارکردهای حکومت، هم‌نظرند اما در تعیین شکل حکومت و چگونگی شکل‌گیری آن و شرایط حاکم، اختلاف نظر دارند. نتایج نشان داد امام خمینی (ره) در حوزه حکمرانی خوب علاوه بر سایر حوزه‌های دینی به شکل عام از منبع فقه شیعه، برخوردار است و به شکل خاص دارای تخصص لازم بوده و دارای مدرک اجتهاد از علمای فقه بوده و حوزه‌ی تدریس قابل و پرشوری نیز داشته‌اند؛ در نتیجه، ارائه الگوی مطلوب حکمرانی در عصر غیبت و اجتهاد از سوی ایشان، مبتنی بر بررسی فنی و علم محور است. ارائه نظریه‌ی ولایت فقیه از سوی امام، بر اساس قواعد و قوانین فقهی تئوریزه شده است. در حالی که سید قطب نه تنها از منبع کامل فقهی برخوردار نیست، بلکه حتی در حوزه‌ی اهل سنت نیز تخصص فقهی لازم را ندارد و در نتیجه نه تنها برخی از چالش‌های اصلی در اندیشه ایشان مغفول مانده، بلکه در آن به اظهار عجز و بن‌بست رسیده است. در طول تاریخ و در بین اندیشمندان و نظریه پردازان سیاست، برخی حکومت را ابزار و برخی دیگر به مثابه هدف دانسته‌اند. در این زمینه امام خامنه‌ای بعد از تشکیل نظام عادلانه و استقرار عدالت اجتماعی، هدف دولت واقعاً اسلامی را مکارم اخلاق، در میان بشر، افراد جامعه و انسان‌ها می‌داند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹)

محمودی‌کیا در سال ۱۳۹۸ در پژوهش حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی با بهره‌گیری از بیانات رهبر فقید انقلاب اسلامی سعی در پاسخ به این سؤال دارد که از دیدگاه امام خمینی، بین نظریه حکمرانی متعالی و کارآمدی نظام سیاسی چه رابطیهایی برقرار است؟ یافته این تحقیق از این قرار است که در دیدگاه امام خمینی، اولاً مشروعیت مقدم بر کارآمدی است با این حال، کارآمدی نظام سیاسی، ملاکی برای اثبات کارآمدی دین در عرصه عمومی به ویژه حکمروایی در عرصه ملی و فراملی است. ایشان خواهان استقرار یک نظام عدالت‌خواه و عدالت‌گستر هم در عرصه نظام داخلی و هر در عرصه نظام بین‌الملل است، ثانیاً امتزاج مؤلفه‌های حکمرانی خوب با دیدگاه‌های توحیدی معنوی تگرای انقلاب اسلامی، منبعث از اندیشه امام خمینی، به استقرار نوعی الگوی حکمرانی مؤثر، اخلاق‌مدار و متعالی منجر می‌شود که علاوه بر سعادت دنیوی، سعادت آن جهانی را نیز تأمین می‌کند. از منظر امام خمینی هرچند مشروعیت مقدم بر کارآمدی است، با این حال، کارآمدی نظام سیاسی، ملاکی برای اثبات کارآمدی دین در عرصه عمومی به ویژه حکمروایی در عرصه ملی و فراملی است. ایشان خواهان استقرار یک نظام عدالت‌خواه و عدالت‌گستر هم در عرصه نظام داخلی و هر در عرصه نظام بین‌الملل است. از همین رو رویکرد ایشان به نظام بین‌الملل رویکردی انتقادی است چراکه نظام موجود را ناعادلانه دانسته و مکرر در بیانات خویش نسبت به آن رویکردی تحول‌طلبانه تجدیدنظرطلبانه اتخاذ کرده‌اند.

اقتصاد یکی از مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار بر حوزه سیاست و از جمله چگونگی شکل‌گیری حکمرانی مطلوب است. از جمله اندیشمندانی که ایده‌های آنان معطوف به عمل است و درصدد ترسیم حکمرانی مطلوب بر پایه مؤلفه‌های اقتصادی مقاومتی هستند، آیت الله خامنه‌ای است. ایده ایشان، امروزه به عنوان یکی از مهمترین نظریات اقتصادی در جهان اسلام به شمار می‌رود. به این منظور، در سال ۱۳۹۹ جرفی و امجد به جایگاه

اقتصاد مقاومتی را در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداختند. آن‌ها با طرح کردن این سؤال که ایده اقتصاد مقاومتی از چه طریقی می‌تواند باعث تحقق حکمرانی مطلوب گردد؟ به بررسی موضوع پرداختند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی انسان، تکیه بر درون‌زایی، نفی سلطه بیگانگان، جلوگیری از مصرف‌گرایی، تکیه بر توان داخلی و تولید بومی، باعث تحقق آرمان‌های اسلامی از جمله عزت و کرامت انسانی می‌شوند که خود شاکله نظام حکمرانی مطلوب اسلامی به شمار می‌روند. بنابراین سیاستگذاری در عرصه اقتصاد و اقتصاد مقاومتی می‌تواند هم زمینه‌ای برای تحقق حکمرانی مطلوب تلقی شود و هم اینکه الگویی برای اصلاح حوزه سیاست در نظر گرفته شود.

۳. روش پژوهش

حکمرانی متعالی از جمله مفاهیم مهم و جذابی است که در علوم اجتماعی مطرح گشته است و یکی از علل اصلی ابهام در این مفهوم، گس تردگی آن می‌باشد. این تحقیق برای تحلیل کیفیت حکمرانی متعالی از منظر امامین انقلاب با رویکردی میان رشته‌ای از طریق روش تحقیق کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات از تحقیقات انجام شده در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی پرداخته است. نحوه انتخاب منابع اطلاعاتی با کلید واژگان حکمرانی متعالی، امامین انقلاب، شاخص‌های حکمرانی می‌باشد.

۴. یافته‌های پژوهش

با پیروزی انقلاب اسلامی قانون اساسی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت تنظیم شد و برای هر یک از این دو ساز و کارهای مختلفی پیش‌بینی گردید از طرفی بر سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان و نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی تأکید شده و از سوی دیگر، نظارت دقیق اسلام‌شناسان عادل، پرهیزگار و متعهد، ضروری دانسته شده است. امام خمینی به عنوان یک اندیشمند اسلامی و نیز معمار یک نظام سیاسی نسبت به مؤلفه‌های یک حکمرانی خوب بیانات و اشاراتی متعددی داشته‌اند که به طور عمده در کنش‌های اعلانی و اعمالی در دوره ۱۰ ساله رهبری ایشان نمود داشته است. از این منظر، آنچه ایشان را از دیگر فقیهان معاصر تمیز می‌دهد تلاش تئوریک و اقدام عملی ایشان برای استقرار یک نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌ها و معارف دین اسلام است. تلاشی که نهایتاً به تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر مبنای حوریت ولایت فقیه منجر شد (محمودی‌کیا، ۱۳۹۸).

امام خمینی با توجه به مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی توحیدی، مفهومی جدید را به مفهوم حکمرانی خوب اضافه نمودند و حکم رانی شایسته را معرفی کردند که ضامن ارتقای کارآمدی کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی باشد. اما نکته حائز اهمیت در این رابطه توجه به اصل کارآمدی دین در ارائه‌ی که نظام سیاسی کارآمد است که علاوه بر تأمین سعادت این جهانی، سعادت آن جهانی را نیز به ارمغان بیاورد. ایشان در کتاب «ولایت فقیه» با تأکید می‌فرمایند: «ما خلیفه می‌خواهیم تا اجرای قوانین کند. قانون مجری لازم دارد. در همه‌ی کشورهای دنیا این طور است که تدوین قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریع قانون، باید قوه مجریه‌ای به وجود آید. در یک تشریع یا در یک حکومت اگر قوه مجریه نباشد، نقص وارد است. به همین جهت، اسلام همان‌طور که تدوین قانون کرده، قوه مجریه هم قرار داده است، ولی امر، متصدی قوه مجریه قوانین هم هست. وی در ادامه می‌آورد: اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است؛ چنان‌که مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است (خمینی، ۱۳۹۴). بعد از رحلت امام خمینی، مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای سکانداری انقلاب اسلامی را به عهده گرفتند و نقش ایشان در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاهی بس مهم و تأثیرگذار است. این نقش هم در قانون اساسی و هم در متن واقعیات ایران معاصر ملموس و مشهود است. مقام رهبری برای پی‌ریزی برنامه حکومتی ایشان در بنیاد و اساس، همان شیوه حکومتی امام خمینی است البته در بعضی موارد با جابه‌جایی شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییر کرده است (کیانی و زرگر، ۱۳۹۹).

حکمرانی متعالی با نگاه اسلامی که هسته اولیه آن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بنیان نهاده شده است، تمدنی است در حال شکل‌گیری بر مبنای اندیشه اصیل اسلامی، که متناسب با ظرفیت‌های امروز بشریت بوده و با نظر توأمان به دنیا و آخرت، درصدد ترسیم و تنظیم مناسبات حیات اجتماعی انسان است. از این جهت به تعبیر رهبر انقلاب: «اگر بخواهیم کشور، ملت، جامعه بشری به سعادت برسد، راهش این است که آرمان‌های دینی و آرمان‌های الهی را برتر از همه آرمان‌ها قرار بدهیم.» (جرفی و امجد، ۱۳۹۹)

مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت متعالی با نگرش اسلامی بر حکمرانی خوب می‌فرماید: «اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصاد می‌توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند.» ایشان می‌فرماید: «در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است.» در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز

برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی، ۱۳۸۹).

مشارکت همگانی اساس یک حکمرانی متعالی است که می‌تواند به شکل مستقیم یا از راه نهاد های میانجی قانونی و یا نمایندگان باشد. در سیره سیاسی امام خمینی (ره) مطابق با سیره رسول الله(ص) بر تعامل با مردم تأکید می‌شود. حکمرانی متعالی از منظر امام خمینی (ره) پذیرش عمومی مردم در ایجاد و بقاست، که در جریان انتخاب طبیعی مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق خبرگان منتخب مردم) جلوه‌گر می‌شود. همچنین پذیرش و مقبولیت مردمی در حوزه اهداف و عملکرد و مسئولیت‌های حکومت است که از طریق نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و غیره تحقق می‌یابد؛ بنابراین پیوند رهبری در این حکومت با مردم، به طور طبیعی پیوندی عمیق، عاطفی و اعتقادی است. از دیدگاه امام خمینی(ره) حکومت بر اساس دیدگاه‌ها، خواست‌ها و آرای مردم بنا می‌شود اگر حکومتی بر مردم تحمیل شود، حکومت اسلامی و مطلوب نخواهد بود. «ما بنای این را نداریم که یک تحمیلی بر ملت‌مان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هس تیم. ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم.» (دارا و علیزاده، ۱۳۹۷)

آیت الله خامنه‌ای در مواضع مختلفی به اهمیت نقش مردم و حضور مردم در نظام اسلامی پرداخته‌اند و یکی از مظاهر عمده‌ی آن را انتخابات دانسته‌اند، به طوری که در این باره می‌فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات یک امر واقعی است، یک چیز شکلی و صوری نیست. این جور نیست که بخواهیم از دیگران تقلید کنیم که چون دیگران به نام دموکراسی انتخابات دارند، ما هم انتخابات داشته باشیم، نه انتخابات یک امر واقعی است برای دخالت دادن نظر مردم و رضای عامه و ...». با این حال، از نگاه آیت الله خامنه‌ای حضور مردم در انتخابات علاوه بر برخورداری از یک حق جنبه تکلیفی نیز دارد (رضائی و اسماعیلی، ۱۳۹۹).

پاسخگویی یکی از شاخص‌های حکمرانی متعالی است که بر اساس آن نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های مختلف جامعه مدنی نیز باید در برابر عامه مردم و ذی‌نفعان که جزء آن نهاد به حساب می‌آیند، پاسخگو باشند. این شاخص بدین معنی است که مردم بتوانند دولت را در برابر دیدگاه‌ها و عملکرد خود و هر آن چه از ناحیه دولت بر سرنوشت و زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مورد پرسش و بازخواست قرار دهند (رضائی و توحیدفام، ۱۳۹۷).

در اندیشه امام خمینی(ره) هر چند به صراحت واژه‌هایی که امروز به عنوان شفافیت و پاسخگویی از آن تعریف و نام برده می‌شود، بیان نشده است، اما بررسی متون، سخنرانی‌ها و بیانات‌شان و با تأکیدی که بر سایر مؤلفه‌های دموکراتیک مانند آزادی، مطبوعات آزاد، آزادی گروه‌ها و احزاب، مشارکت، مجلس، انتخابات و... داشته‌اند، می‌توان به خوبی تأیید ایشان را بر مقوله شفافیت و لازم بودن آن درک کرد. به عبارتی، امام بر جریان آزاد اطلاعات و آگاهی مردم از آن صحنه می‌گذارند.

یکی از شاخص‌های حکمرانی متعالی از دیدگاه بانک جهانی مبارزه با فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند، که برخی آن‌ها عبارتند از: میزان فساد در کشور، گسترش روابط خانوادگی، استفاده قدرت به نفع دوستان، دیوان سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند، میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیش‌برد کارها، پرداخت‌هایی که برای اثرگذاری بر فرآیند قانون‌گذاری انجام می‌شود، بی‌اعتمادی عمومی به درست‌کاری مالی سیاستمداران، پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد با نفوذ صورت می‌گیرد. این‌ها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می‌کنند (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶). مطابق فرمایشات مقام معظم رهبری «بیش‌ترین فساد که گریبان‌گیر یک نظام سیاسی اسلامی است، فساد اقتصادی و مالی و فساد اخلاقی و منکرات است که مبارزه با هر دو جریان با توجه به معیارهای اسلامی، از تکالیف و وظایف اصلی و مهم مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی و جزء تعالیم اسلام و نیز یکی از شاخص‌های برجسته‌ی رفتار و سیره علوی است به طوری که حتی مشروعیت مدیران در گرو مبارزه‌شان با فساد و رواج عدالت در جامعه است. فساد اقتصادی و مالی، و اداری جزء بدترین نوع فساد است که مبارزه با آن لازمه‌ی اصلاح نظام و پیشرفت و آبادانی کشور است و نیز سبب گشایش اقتصادی، بهبود معیشت مردم، تأمین شدن ام نیت کشور و عزت بین‌المللی می‌شود.» (کیانی و زرگر، ۱۳۹۹)

امام خمینی (ره) به عنوان یک مصلح اجتماعی که بر یک خط و مشی الهی و قرآنی، اهداف سعادت دنیوی و اخروی جامعه را در دست و فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خود قرار می‌دهد، هدف خود را رفع فساد و رسیدن به یک جامعه توحید محور اعلام می‌کند. لذا معتقد بودند برقراری هر نظام سیاسی بدین دلیل که غیراسلامی است، زمینه فساد در آن بیشتر است. به تعبیر ایشان، حاکم طاعت است. وی در ادا مه این بحث می‌فرماید: «به این دلیل، هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکم طاعت است و ما موظف هستیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آن‌ها دور کنیم و از بین ببریم.» (مرزبان و عیوضی، ۱۳۹۵)

در اندیشه امام خامنه‌ای پیشگیری از فساد مقدم بر دیگر رفتارهای لازم برای مبارزه با فساد است. در نگاه ایشان «منصب حکومتی، جایگاه

قدرت و منابع مالی است، و سوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد. واقعاً فساد مثل موریانه است، نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و مانند این‌ها، در دستگاه‌تان نفوذ بکند.» (خداپرست و موسوی‌خو، ۱۳۹۸)

حکمرانی متعالی از نظر امامین انقلاب اسلامی بر اساس مبانی الهی و اسلامی تأسیس شده باشد و در آن معنویت و مادیت جامعه و افراد، توأمان با هم در نظر گرفته شود. حکمرانی مشروع است که که اسلامی و نوع شیعی و ولایت فقیه باشد که با رعایت شاخص‌هایی با معیار اصلی ایمان و تقوا توسط ارکان نظام سیاسی، شامل رهبر و حاکم مسئولان و کارگزاران و مردم به بالندگی و رشد و تعالی خواهد رسید (کیانی و زرگر، ۱۳۹۹).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکمرانی در جمهوری اسلامی ریشه‌ی الهی دارد و هدف نیز دستیابی به حیات طیبیه و کرامت انسانی است. بنابراین حکمرانی سازگار با چنی ن اهدافی قطعاً باید ماهیتی مصلحانه داشته باشند؛ که از سویی محوریت آن با امام و رهبری صالح است، و از سوی دیگر رویکرد شاخص‌ها نیز اصلاح‌گری امور انسان و جامعه‌ی او به منظور تحقق حیات طیبیه می‌باشد؛ ضمن اینکه لزوم و ضرورت وجود رهبری صالح نیز برای رسیدن به همین هدف است و این امر، هم در مفهوم، و هم در ماهیت، و هم در عناوین شاخص‌ها باید خود را نشان دهد (عظیمی، ۱۳۹۸).

طرح و نظریه حکومت نزد امام خمینی (ره) از جایگاه مهمی برخوردار است. ایشان با توجه به فلسفه سیاسی، فقه اسلامی و جایگاه بسیار مهم و حساس حکومت در اداره اجتماع و پیش‌برد و حفظ دین و نیز با توجه به ضرورت‌های زمانی و مکانی و توجه ویژه به مصالح ملت ایران، به تکمیل نظریه‌ی حکومتی خود پرداخت. بی تردید، نقش و تأثیر مؤلفه‌هایی چون شفافیت، فسادستیزی، وجود نظام قضایی کارآمد، مشارکت اجتماعی و سیاسی و نیز پاسخگو بودن کارگزاران حکومتی می‌تواند به میزان بالایی به کارآمدی و رضایتمندی از سیستم حاکمیتی منجر شود و هم‌ین امر به تقویت مشروعیت نظام کمک نماید.

حکومت به عنوان یکی از نیازهای اساسی برای فراهم نمودن کمال انسانی در دین اسلام می‌باشد. امام خمینی (ره) به عنوان فقیهی سیاسی و نظریه‌پرداز فقه حکومتی بر این باورند که جامعه اسلامی مطلوب، الگویی است که غایت آن نه تنها سعادت دنیوی افراد که اخروی انسان‌ها را هم شامل می‌شود. در همین راستا، انسان‌ها در دو بعد روحانی و جسمانی خود، نیروهایی شیطانی و رحمانی دارند که در صورت هدایت آن‌ها در مسیر رشد و تعالی، می‌توان سعادت اخروی و دنیوی را برای فرد و جامعه به ارمغان آورد (کشاورز و شکری، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد درمنظر امام اصول حکمرانی متعالی در صورت قالب‌سازی در چهارچوب و قواعد اسلامی و با کسر حدود و شرایط مغایر با احکام اسلامی برای مصلحت حفظ نظام و اسلام مناسب خواهد بود البته در صورتی که هدف از اجرای آن تقویت پشتوانه‌ی مردمی و استمرار اقامت دین مبین اسلام از آن باشد و از طرفی بنا به قاعده نفی سبیل، اجرا یا عدم اجرا آن در چهارچوب رویکرد غربی و کنترل و نظارت غرب و به تناسب آن دیکته نمودن سیاست و فرهنگ خویش بر جامعه اسلامی امری است که هرگز مورد پذیرش امام خمینی و جامعه اسلامی نخواهد بود همچنین، امام خمینی مشروعیت را مقدم بر کارآمدی می‌دانستند، با این حال، کارآمدی نظام سیاسی، ملاکی برای اثبات کارآمدی دین در عرصه عمومی به ویژه حکمروایی در عرصه ملی و فراملی است. (جاوید و باقری، ۱۳۹۸).

پیام مهم تاریخی ایشان به گورباچف، صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی بدین نحو بیان شده است که: «شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دو ا نکرد هاید، که دیگران باید ببینند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است» (صحیفه امام، ج. ۲۱، ۲۲۱ - ۲۰).

۶. مراجع

- [۱] وفاجو، فریبرز، رنجبر، مقصود، حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۷) ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۹۷، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص ۱۹۱-۲۱۱.
- [۲] نوربخش، بهمن، ساعی، احمد، میرترابی، سعید (۱۳۹۸) جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره)، رهپای انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۸، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- [۳] ابیطحی، سیدمصطفی، آرایش، حسن، سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷) بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران، راهبرد سیاسی، تابستان ۱۳۹۷، سال ۲، شماره ۵، صص ۲۷-۶۴.

- [۴] خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۹/۱۹). بیانات در: دیدار کارگزاران نظام.
- [۵] محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸) حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی، اندیشه سیاسی در اسلام، بهار ۱۳۹۸، شماره ۱۹، صص ۵۵-۸۲.
- [۶] سلطانی نژاد، احمد، گودرزی، سهیل (۱۳۹۵). فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب، فصلنامه سیاست، بهار ۱۳۹۶، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۷۹-۹۷.
- [۷] امامزاده فرد، پرویز (۱۳۹۰) جایگاه نقش حقوق در حکمرانی مطلوب، فصلنامه حقوق بشر، بهار و تابستان ۱۹۰، دوره ۶، شماره ۱، صص ۳۱-۳۴
- [8] Maldonado, N. (2010, May). The World Bank's evolving concept of good governance and its impact on human rights. In Doctoral Workshop on Development and International Organizations. Stockholm, Sweden, May (pp. 29-30).
- [9] Habitat, U. N. (2002). The global campaign on urban governance: concept paper. Nairobi, Kenya: United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat).
- [۱۰] میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳) حکمرانی خوب: بنیان توسعه، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران چاپ اول.
- [۱۱] رضائی، حسن، توحیدفام، محمد. (۱۳۹۷) نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی، راهبرد، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۲۷، شماره ۸۹، صص ۳۶-۶۵.
- [۱۲] عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین، صالحی، معصومه (۱۳۹۶) از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار، زمستان ۱۳۹۶، راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۸۵، صص ۵۵-۸۵.
- [۱۳] جاوید، محمدجواد، باقری‌چیزه، علی (۱۳۹۶). اصول ثابت و متغیر حکمرانی علوی در مدل اجرایی امام خمینی(س)، متین، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۲۱، شماره ۸۴، صص ۱-۱۹.
- [۱۴] دارا، جلیل، لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۹۷) الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی و سید قطب بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۸-۳۰.
- [۱۵] جرفی، عبدالمیر، موسوی‌امجد، سیدحسن (۱۳۹۹). جایگاه اقتصاد مقاومتی در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، رهیافت انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص ۴۵-۶۶.
- [۱۶] خمینی، روح الله (۱۳۹۴) ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۷] کشاورز شکر، عباس، شجاعی، جبار (۱۳۹۵)، تبلور حکمرانی خوب در اندیشه و سیره امام خمینی (ره)، مطالعات انقلاب اسلام ی و دفاع مقدس، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۹-۵۲.
- [۱۸] رضوانی‌پور، حسین، اسماعیلی، محسن (۱۳۹۹)، جایگاه حقوق شهروندی در سبک سیاسی امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای با تمرکز بر سه مؤلفه‌ی، حق آزادی عقیده و بیان، حق مشارکت در تعیین سرنوشت و حق تحزب و تشکل، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، زمستان ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱-۳۰.
- [۱۹] ناظمی‌اردکانی، محمد (۱۳۸۷). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۷، دوره ۱۷، شماره ۷۶، صص ۱۰-۱۲۸.
- [۲۰] خداپرست، یونس، موسوی‌خو، سیدمحمد (۱۳۹۸) مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای، سیاست متعالیه، زمستان ۱۳۹۸، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۴۱-۶۴.
- [۲۱] عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین (۱۳۹۵) بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی(ره)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، پاییز ۱۳۹۵، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- [۲۲] عظیمی‌شوشتری، عباس‌علی (۱۳۹۸) ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، دوره ۱۶، شماره ۱۶، صص ۱۲۶-۱۵۵.
- [۲۳] کیانی، جواد، زرگر، علی‌رضا (۱۳۹۹)، نظام سیاسی مطلوب کشورهای اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای، مطالعات بیدار ی اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۷۳-۱۹۸.

